

## چکیده

موضوع تحقیق حاضر، بررسی تطبیقی اندیشه قوامیت، حدود آن در اسلام و کتاب مقدس می‌باشد. قوامیت مردان بر زنان از جمله مقولاتی است که در عهد عتیق و جدید مطرح شده و بررسی دیدگاه مفسران و شارحان کتاب مقدس، نشان می‌دهد که تسلط و سرپرستی و قوامیت مردان بر زنان، امری پذیرفته شده است که ریشه این نگاه، طفیلی بودن خلقت زن و گناه نخستین اوست. البته بر هیچ کس پوشیده نیست که در فرازهای متعددی از متن عهد عتیق و جدید، نگاه برتر نسبت به مرد وجود دارد. این در حالی است که در نظام اسلامی، ضمن تأکید به برابری زن و مرد و کرامت انسانی، عامل برتری انسان‌ها بر یکدیگر تقوا و عمل صالح ذکر شده است و تعیین سرپرست و مسئله قوامیت، گوشه‌ای از یک نظم حقوقی برای پایدار ساختن روابط سالم در جهت تحکیم بنیان خانواده است.

پژوهش حاضر با به کار گرفتن روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توسعه‌ای و هدف افزایش اطلاعات مخاطب، ضمن بررسی مفهوم قوامیت، به جایگاه آن در اسلام و کتاب مقدس پرداخته و محدوده‌ی قوامیت را در ادیان یهود و مسیحیت مورد واکاوی قرار داده است.

**واژگان کلیدی:** قوامیت، عهد قدیم، عهد جدید، کتاب مقدس، اسلام، قرآن.

## طرح بحث

قوامیت واژه‌ای است که به ابعادی از مدیریت خانواده اشاره دارد. واژه‌ی قوامیت حاکی از سرپرستی مردان بر زنان در چارچوب خانواده است.

در شریعت اسلامی، واژه‌های دیگری مانند ولایت، حضانت و نفقه نیز وجود دارد که شعبه‌های دیگر مدیریت خانواده است؛ بنابراین مدیریت خانواده، برآیند همه‌ی این امور است و قوامیت بخشی از این مدیریت را تشکیل می‌دهد.

قرآن کریم و دین مبین اسلام به عنوان بهترین منبع، هدایتگر و اثبات‌کننده نگاه متعالی به جایگاه زن و مرد و وظایف متقابل آن‌ها نسبت به یکدیگر در کانون خانواده است.

این که در شرع مقدس اسلام، سرپرستی و اداره‌ی امور خانواده بر عهده‌ی همسر گذاشته شده است بر کسی پوشیده نیست و اطلاعات بسیاری در این زمینه در منابع مختلف موجود می‌باشد و متفکران و اندیشمندان متعددی پیرامون آن قلم‌زده‌اند. از این رو، این نوشتار بر آن است تا به این سؤالات پاسخ دهد:

۱- مفهوم قوامیت چیست؟

۲- آیا قوامیت در عهد عتیق و جدید مطرح شده است؟

۳- استنادات آن کدامند؟

۴- تفاوت تعریف و محدوده‌ی قوامیت در اسلام و کتاب مقدس چیست؟

### ۱. مفهوم شناسی

واژه‌ی قوامیت از ریشه «قَامَ یَقُومُ» مشتق شده است. در لسان العرب، قَیْم، سید و سائس الامور (تدبیر کننده امور) معنا شده و آمده است:

«قیم زن، همسر اوست؛ زیرا به امور و احتیاجات او رسیدگی می‌کند.» (ابن منظور/ ۱۴۰۸: ج ۵/ ۱۹۲)



در جای دیگر این گونه اشاره شده است که «قوام، کسی است که تدبیر و اداره‌ی امور زن را به عهده دارد و احتیاجاتش را بر آورده می‌کند.» (مصطفوی/ ۱۴۱۶: ج ۹/ ۳۴۴)

راغب نیز می‌نویسد: «موضوع قیام گاهی شخص است. در این صورت قوامیت به معنای مسخر بودن یا اختیار داشتن است و اگر موضوع قیام، شیء باشد به معنای مراعات و محافظت است.» (راغب اصفهانی/ ۱۴۱۲: ۶۹۰)

به نظر می‌رسد، واژه‌ی قوامیت، به منزله‌ی یک اصطلاح، بر گرفته از آیه ۳۴ سوره نساء است. از این رو در تفاسیر نیز درباره‌ی معنای آن با توجه به سیاق آیه بحث شده است.

علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید:

«قیم کسی است که قیام به امر دیگری دارد و قوام و قیام، مبالغه از این صیغه‌اند.» (طباطبایی/ ۱۳۸۵: ج ۲/ ۳۴۳)

مرحوم طبرسی آورده است:

«قیمون علی النساء به معنای آن است که مردان در تدبیر، تأدیب و ریاضت و تعلیم مسلط بر زنان‌اند.» (طبرسی/ بی تا: ج ۳/ ۴۳)

زمخشری قوامیت را قیام امور زنان با قدرت بر امر و نهی آنان معنا کرده است. (زمخشری/ ۱۴۱۵: ج ۱/ ۵۰۵)

به هر حال با بررسی لغوی این واژه و دیدگاه تفاسیر پیرامون آن، گونه‌ای از اختیارداری و سرپرستی مردان در قبال همسرانشان فهمیده می‌شود.

البته این که این سرپرستی و تسلط، آیا حق است یا تکلیف، مطلبی است که در جمع‌بندی نهایی به آن خواهیم پرداخت.



## ۲. ملاک و ادله قومیت مردان

آنچه مسلم است، آن است که ما در تشخیص علت های بسیاری از احکام و تفکیک آن از حکمت ها ناتوانیم و درباره ی قومیت نیز، علت صریح و قطعی نداریم.

عقل نیز نمی تواند به تنهایی و به راحتی، ملاک و علت بسیاری از احکام را درک کند. آنچه که در بحث قومیت می تواند روشنگر و مشخص کننده باشد، آیات و روایاتی است که در دست می باشد.

۱- آیه شریفه ۳۴ سوره نساء: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...»؛

«مردان، سرپرست و نگهبان زنان اند، به خاطر برتری هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای

بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است...»

پیرامون قومیت و تفسیر این آیه شریفه و تحلیل فضل و برتری در منابع مختلف، مباحث متعددی

مطرح شده است اما شاید بتوان به بیانی شیوا و صریح این گونه گفت که:

از آن جا که طبیعت و فطرت زن مناسب و مطابق با وظایف سنگینی است که نیاز به آمادگی

جسمی، روحی و عقلی عمیق دارد و از آن جا که زن بر اساس طبیعت خلقت خود، از استعدادهای

خاصی از لحاظ جسمی، عصبی، روحی و عقلی برخوردار بوده از این رو وظیفه حمل و تولد و

پرورش طفل و وظیفه سنگین حفظ و بقاء نسل بشر به او گذاشته شده و چون این وظایف سخت،

نیازمند رفاه، آرامش و آسایش است، وظیفه تأمین نیازهای ضروری زن و نیز وظیفه حمایت از او

بر عهده ی مرد است، زیرا مرد استعدادهایی منطبق بر این وظیفه را دارا می باشد و مراد از تفضیل

مرد، جنبه عاطفی و قدرت بدنی مرد است. (نعمتی پیر علی / ۱۳۸۴: ش ۴۸ / ۲۰۸)

برخی منابع ضمن بررسی واژه فضل و درجه، آن را «ترجیح» معنا نموده اند. (ودود / ۱۳۹۱: ۱۲۹)

۲- آیه ۲۲۸ سوره بقره: «... وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ...»؛ «... و

برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته ای قرار داده شده و مردان بر آنان



برتری دارند...»

آیت الله جوادی آملی، این فضل را توانایی مرد در مسائل اجتماعی و شم اقتصادی و تلاش او برای تحصیل مال و تأمین نیازهای منزل و اداره‌ی زندگی می‌دانند. این فضیلت از نظر ایشان برتری ارزشی نیست بلکه به وظیفه اجرایی باز می‌گردد. (جوادی آملی / ۱۳۸۶: ۳۲۶)

واژه مورد بحث در این آیه شریفه، کلمه‌ی «درجه» است. مفسران در تفسیر آیه مورد نظر معانی متعددی برای درجه ذکر نموده‌اند. برخی آن را به قوامیت، حق طلاق، فزونی در ارث، وجوب مهریه، نفقه و جهاد تطبیق کرده‌اند. (ر.ک: سیوطی / ۱۴۱۴: ج ۱ / ۶۶۲) برخی نیز درجه را فقط بر زیادی حق مردان بر زنان در قوامیت تطبیق کرده‌اند. (فیض کاشانی / ۱۴۱۵: ج ۱ / ۲۵۷) بر این اساس، «درجه» به امتیازها و اختیارهای حقوقی از جمله قوامیت اشاره دارد. به هر حال آیه‌ی مذکور، نوعی برتری را که جنبه‌ی حقوقی دارد، ثابت می‌کند ولی این که حتماً منظور، قوامیت مردان بر زنان باشد، از خود آیه ثابت نمی‌شود.

۳- در ادله روایی، حق انتخاب مسکن و حق تعیین محل سکونت بر عهده‌ی شوهران است؛ همچنین خروج زنان از منزل، منوط به اجازه‌ی همسران می‌باشد و حتی انجام برخی عبادت‌های مستحبی منوط به اجازه ایشان است. (حر عاملی / ۱۳۷۴: ج ۱۵ / ۴۹: ج ۱۴ / ۱۱۲-۱۱۳)

### ۳. قوامیت در عهد قدیم و جدید

اگر چه عقیده‌ی حاکم در دوران گذشته غرب این بود که زن روح انسانی ندارد، بلکه دارای روح خبیثی است، اما کتاب مقدس در بخش عهد عتیق، همه‌ی انسان‌ها را دارای روح منسوب به خدا می‌داند و به این موضوع در آیات خود تصریح نموده است که زن از روح الهی برخوردار است. (مظاهری / ۱۳۹۰: ۱۰۰)

«روح من همیشه در انسان باقی نخواهد ماند، زیرا او موجودی است فانی و نفسانی» (پیدایش /



(۳:۶)

این در حالی است که برخی از شروعی که پیرامون کتاب مقدس نگاشته شده در تفسیر این آیات متذکر شده است که مقصود از انسان، شخص آدم است و چون حوا از این امتیاز (دمیده شدن روح الهی) برخوردار نبود، شیطان بر او مسلط شد.

### ۳-۱. جایگاه زن و قومیت مرد در عهد عتیق

جایگاه زن در عهد قدیم، به سبب گناه نخستین، پست و فرو مرتبه است. زن از لحاظ حقوقی در جایگاه دوم پس از مرد قرار دارد و از او به عنوان انسان حيله گر و گناهکار یاد می‌شود. (عقیلی/ ۱۳۹۴: ۶۷)

به عنوان مثال در سفر جامعه (پیدایش ۲۸:۷:۲۶) آمده است:

«و زنی را که مثل دام‌هاست و دلش تله‌هاست و دست‌هایش کمندهاست یافتیم که تلخ‌تر از مرگ است. کسی که در حضور خدا پسندیده است، از او رهایی خواهد یافت، اما گناهکار، گرفتار وی خواهد شد...»

اساساً معیار نظریات کتاب مقدس در مورد زن، آیات آفرینش زن و گناه اولیه است. مسأله قیمومیت نیز بر همین اساس بنا شده است. از آن جا که زن عامل فریب آدم معرفی می‌شود، پیروان این کتاب، زن را منشأ فساد و گناه می‌دانند. لذا خداوند یکی از مجازات‌هایی که برای وی نظر گرفت، این بود که تحت سلطه و حاکمیت مرد باشد. (وکیلی/ ۱۳۷۰: ۸۷) «آدم گفت زنی که برای بودن با من دادی، از میوه‌ی درخت به من داد که خوردم» (پیدایش/ ۱۲:۳)

«و خداوند جهت عقوبت زن، مرد را بر او مسلط ساخت... و او بر تو حکمرانی خواهد کرد.» (پیدایش/ ۱۶:۳)

به هر حال در عهد عتیق، جنس زن از جنس مرد، پست‌تر و تحت قیمومت و سرپرستی ایشان است. (پیدایش/ ۱۶:۳)



در تلمود که دومین کتاب یهودیان بعد از تورات است، دعایی وجود دارد که جایگاه زن را در نگاه آیین یهود، تبیین می‌کند:

«انسان موظف است که هر روز این سه دعای برکت را بخواند: مبارک است خدایی که مرا یهودی خلق کرد، مرا زن نیافرید و مرا یک بی‌سواد و بی‌معرفت به وجود نیاورد.» (نعمتی پیر علی / ۱۳۸۴: ش ۴۸ / ۱۷۷)

طبق تعالیم تورات، وظیفه‌ی زن در خانواده، به فرزند زایی و علاقه به شوهر منحصر می‌شود. در نگاه کتاب مقدس، مرد اصل و اساس خانواده است و زن موظف است که از او اطاعت کند چون وجود او، طفیلی مرد است. «و باید که زن به آرام و با کمال اطاعت، تعلیم گیرد و زن را به تعلیم دادن اجازت نمی‌دهم تا آن که زیر دست مرد باشد، بلکه سکوت اختیار کند، از آن جا که اول آدم خلق شد و بعد حوا» (نعمتی پیر علی / ۱۳۸۴: ش ۴۸ / ۱۷۷؛ به نقل از نامه اول پولوس به تیموثیوس: ۲: ۱۱-۱۳)

### ۳-۲. جایگاه زن و قومیت مرد در عهد جدید

قیومیت در مسیحیت طبق دو دیدگاه شکل گرفت: یکی دیدگاه تعادل بین مرد و زن که به هر دو انسان صدق می‌کند و دیگری زنان را به لحاظ اجتماعی و هستی‌شناختی نسبت به مردان تابع و فرو دست معرفی می‌نماید. اساس الهیات فرودستی و اندیشه ریاست و برتری مردان، نظام آفرینش است. این گروه برتری مذکر را ذاتی اشیاء می‌دانند و بر این عقیده پایدارند که هرگونه اعطای استقلال به زنان، شورش علیه خداوند محسوب می‌شود؛ زیرا زن قربانی منشأ گناه بودن است که با مستقل عمل کردن، موجب هبوط بشریت شد.

در مقابل این اندیشه، عده‌ای با تمسک به این آیه که «خداوند زن و مرد را به صورت خود آفرید تا بر حیوانات حکمرانی کنند» (پیدایش / ۱: ۲۶-۲۸) هیچ‌کدام را بر دیگری برتری نمی‌دانند و نظریه



برتری را نفی کردند و تعادل را پذیرا شدند. (مظاهری / ۱۳۹۰: ۱۲۰)

در بخش عهد جدید کتاب مقدس، موضوع قیمومت مرد، در آیاتی گنجانده شده است:

«سر مرد، مسیح است و سر زن، مرد و سر مسیح خدا... و مرد صورت و جلال خداست، اما زن

جلال مرد است.» (نامه اول پولس به قرنتیان / ۱۱:۳-۹)

«اجازه نمی دهیم که زنان به مردان چیزی یاد دهند و یا بر آنان مسلط شوند، زنان باید در جلسات

کلیسائی ساکت باشند.» (نامه اول پولس به تیموتائوس / ۲:۱۱-۱۲)

«اما شما ای زنان، مطیع شوهران خود باشید... چنان که ساره همسر ابراهیم چنین بود» (رساله اول

پطرس / ۳:۱-۶)

توماس آکوئیناس، یکی از متفکران بزرگ مسیحی چنین آورده است که:

«زن طبیعتاً تابع مرد است، زیرا در مرد قوه ی تمیز و تشخیص عقلانی بسیار بیشتری وجود دارد.

در نتیجه زن در مقایسه با مرد، از لحاظ نیرو و شأن کاستی دارد.» (کونگ / ۱۳۸۶: ۱۴۸)

بنابراین در عهد جدید نیز، مرد حق قوامیت دارد و زن در تمامی امور تابع و مطیع شوهر است. در

نگاه عهد جدید، اسباب اعطای قوامیت به مرد، عبارت است از برتری جنسیتی مرد و اینکه زن

عامل گناه است.

می توان به طور خلاصه، فاکتورهایی را که در کتاب مقدس، قیمومت زن، به مرد واگذار شده است

را این گونه برشمرد:

الف- طفیلی بودن خلقت زن

ب- فریفته شدن زن

ج- عامل گناه بودن زن

د- جمله «مرد، سر زن است»





ه- آفریده شدن زن برای مرد

و- جلال بودن زن برای مرد

اگر چه این گونه به نظر می‌رسد که نگرش موجود در کتاب مقدس، موجب تحقیر شخصیت زن می‌شود و در ظاهر آن، حمله و توهین به شخصیت دیده می‌شود، اما بسیاری از مفسران کتاب مقدس، مطالب موجود را نقص شخصیتی برای زن نمی‌دانند و معتقدند ذات قوامیت یا پیروی از مرد، نمی‌تواند معنای تحقیر و توهین تلقی شود. (مظاهری / ۱۳۹۰: ۱۳۱)

#### ۴. جایگاه زن و قوامیت در قرآن کریم

قرآن کریم، هرگز عامل برتری انسان‌ها را بر یکدیگر، جنسیت مطرح نکرده و همواره از کرامت و بزرگی مقام انسان سخن به میان آورده است. آن جا که می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... (اسراء / ۷۰)؛ «به راستی ما فرزندان آدم را به موهبت عقل و خرد گرامی داشته...» زمانی که از دمیده شدن روح الهی دم می‌زند و ندای «...وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحٍ...» (حجر /

۲۹)؛ «... و در آن از روح خود دمیدم...» سر می‌دهد، حرفی از برتری زن بر مرد و یا بالعکس وجود ندارد. خداوند متعال ضمن تأکید بر برابری زنان و مردان و معرفی تقوی به عنوان ملاک برتری انسان‌ها بر یکدیگر، آفرینش زن و مرد را یکسان دانسته و هیچ یک را در خلقت بر دیگری ترجیح نمی‌دهد و خطاب به هر دو جنس می‌فرماید:

«...فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مومنون / ۱۴)؛ «آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است»  
قرآن، وعده‌ی بهشت برین و حیات طیبه را به همه مردان و زنانی می‌دهد که عمل صالح انجام دهند و ایمان واقعی داشته باشند.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً... (نحل / ۹۷)

بنابراین، قوامیت و قیمومت و قوام بودن، نشانه‌ی کمال و تقرب الی الله نیست. مدیریت و



سرپرستی، فخر معنوی نیست بلکه یک مسئولیت اجرایی و تقسیم کار است. روح قیوم و قوام بودن، وظیفه است.

## ۵. مقایسه دامنه قوامیت مردان در اسلام و کتاب مقدس

با توجه به آیات عهد عتیق و جدید، دایره ی قیمومت مردان بر زنان، در تمامی مراحل زندگی جریان دارد؛ زیرا زن شخصیتی ثانوی و طفیلی و عامل اولین گناه است. (مظاهری / ۱۳۹۰: ۱۲۲)

علمای یهود، حق شوهر بر دارایی‌های همسر را به عنوان یک نتیجه‌ی فرعی از مالکیت شوهر بر همسر می‌دانند؛ زیرا اگر شخصی، مالک زنی شود، به این معناست که مالک دارایی‌های او نیز هست.

در تعالیم یهود، قیمومیت پدر بر دختر، مطلق و بدون شرط است؛ یعنی حتی اگر بخواهد می‌تواند دخترش را بفروشد و این نکته در نوشته‌های ربیون آمده است. (عهد قدیم / سفر خروج / ۷:۲۱) مرد می‌تواند دخترش را بفروشد، اما زن نمی‌تواند، مرد می‌تواند دختر را نامزد کند، اما زن نمی‌تواند. بررسی قوانین مربوط به مهریه در تورات نشان می‌دهد که در دین یهود، مهریه به عنوان بهای دختر به پدرش پرداخت می‌شود. در تلمود، مهریه «کتوبا» نامیده می‌شود و هر چند تلمود، مهر را حق زن می‌داند اما در موارد بسیاری در صورت بروز تخلفاتی از زن، مرد می‌تواند او را بدون پرداخت مهریه، طلاق دهد؛ بنابراین در آیین یهود، حق پرداخت مهریه به زن، به راحتی از وی سلب می‌شود. (عبدالکریم عقیلی / ۱۳۹۴: ۶۸)

کتاب مقدس زن را جنس دوم معرفی می‌کند و از این رو، او را تنها برای اداره‌ی محیط خانه، آن هم زیر دست مرد مناسب می‌داند و در امور کشورداری، حاکمیت سیاسی و رهبری اجتماعی به زنان اعتمادی ندارد.

در بخش اشعیا در عهد قدیم چنین آمده است:



«ای قوم من، رهبران شما کودکان اند و حاکماتان زنان. آنان شما را به گمراهی و نابودی می‌کشانند.» (عهد قدیم/ اشعیا/ ۱۲:۳)

بررسی‌ها در عهد جدید نشان می‌دهد که مسیحیت، تحت تأثیر آموزه‌های تورات بوده و به همین دلیل باورهایی که در میان یهود نسبت به زن وجود داشت به جهان مسیحیت راه یافت. اساس الهیات مسیحی در سده‌های نخستین قائل به فرودستی زنان و ریاست مردان در نظام آفرینش است؛ اما این دیدگاه رفته‌رفته بر اثر گذشت زمان تغییر یافته است. از متون مقدس چنین بر می‌آید که در زمان بعثت حضرت عیسی علیه السلام، برخی از زنان به شکل محدود، دارای حق مالکیت و استقلال اقتصادی بوده‌اند و در آیین مسیحیت؛ به مهریه اهمیت چندانی داده نشده و در آموزه‌های آن برخلاف یهود و اسلام، هیچ تصریحی به مهریه نشده است. در زمینه حقوق اجتماعی و سیاسی نیز مسیحیت تابع یهودیت است و همان دیدگاه عهد قدیم را پی می‌گیرد.

آنچه از منابع اسلامی پیرامون بحث قومیت مردان به دست می‌آید، آن است که قومیت و ریاست مرد یک وظیفه خانوادگی و اجتماعی است و منظور از ریاست، تصمیم‌گیری نهایی در امور خانواده و مراعات مصالح آن است.

آیت الله جوادی آملی از یک سو، قومیت را وظیفه مرد می‌داند و آن را تکلیف معرفی می‌نماید و از سوی دیگر حقی می‌داند که دامنه آن تحدید پذیر می‌باشد. (جوادی آملی/ ۱۳۸۶: ۳۲۷) یعنی مرد و زن می‌توانند با قرار دادن و پذیرش شرط ضمن عقد بر محدود ساختن آن توافق کنند.

تعیین دامنه قومیت به تعیین و تعریف دقیق نقش و حوزه‌ی اختیارهای شوهر وابسته است. از آن جا که مرد زندگی همسر خود را اداره و به وی انفاق می‌کند، زن نیز باید از همسر خود در همه‌ی آنچه به مسئله استمتاع و حقوق جنسی شوهر مربوط است، هنگام حضور او اطاعت کند و زمانی که غایب است، حافظ او باشد. حفاظت به این معناست که به او خیانت نکند و دیگری را بر مال و



ناموس شوهر مسلط نسازد. (ر.ک: علاسوند/ ۱۳۹۲: ج ۲ / ۱۶۰-۱۶۵)

مفسرانی چون علامه طباطبایی از اطلاق آیات استفاده کرده و معتقدند، قوامیت هم در حوزه خانگی و هم در حوزه‌ی اجتماعی برای مردان ثابت شد است. (طباطبایی/ ۱۳۸۵: ج ۴ / ۵۴۳)

در پایان می‌توان گفت: این که زن از استقلال اقتصادی برخوردار است و در باب عقایدش صاحب آزادی و اراده است، بیانگر آن است که دایره قیومیت در بینش اسلامی، بسته به زندگی زناشویی متفاوت است.

مسئله قوامیت و ضرورت اطاعت از همسران به معنای فرودستی زنان و یا توهین به آنها نیست.



## نتیجه بحث

واژه قوامیت، در کتب مقدس از جمله قرآن و کتاب مقدس، از نوعی اختیارداری و سرپرستی نسبت به زنان حکایت می‌کند.

ادله قوامیت مردان در منابع اسلامی، آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام می‌باشد. فرازهایی از آیات عهد عتیق و جدید نیز قوامیت مردان نسبت به زنان را خبر می‌دهد.

با توجه به آیات عهد عتیق و جدید، دایره قیومیت مردان بر زنان در تمامی مراحل زندگی جریان دارد زیرا زن شخصیتی ثانوی و طفیلی و عامل اولین گناه است.

در منابع اسلامی، قوامیت و ریاست مرد یک وظیفه خانوادگی و اجتماعی است و منظور از ریاست، تصمیم‌گیری نهایی در امور خانواده و مراعات مصالح آن است؛ بنابراین مسئله قوامیت و ضرورت



اطاعت از همسران به معنای فرودستی زنان و یا توهین به ایشان نیست.

ملاک قوامیت، تفاوت های طبیعی مرد و زن و مسئولیت اقتصادی مردان در قبال همسرانشان می باشد و در دامنه ای این حکم، دسته ای از حقوق و مسئولیت ها برای مردان تعریف می شود.



### منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۲. جوادی آملی، عبد الله، زن در آیینه جلال و جمال، چاپ پانزدهم، قم، اسراء، ۱۳۸۶.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، ال البيت (علیهم السلام)، ۱۳۷۴.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
۵. زمخشری، محمد بن عمر، الکشاف، ج ۱، نشر البلاغه، ۱۴۱۵ ق.
۶. سیوطی، جلال الدین، دُر المنثور فی تفسیر المأثور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۷. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان؛ مترجم: محمد باقر همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات علمی اسلامی، بی تا.
۹. عبدالکریم عقیلی، فاطمه، در سنامه مطالعات تطبیقی زن در قرآن و عهدین، قم، نصاب، ۱۳۹۴.
۱۰. علاسوند، فریبا، زن در اسلام، ج ۲، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۲.
۱۱. فیض کاشانی، محسن، تفسیر صافی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. مظاهری، حبیب، شخصیت زن در قرآن و عهدین، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰.
۱۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات قرآن، تهران، موسسه الطباعه و النشر، ۱۴۱۶ ق.



۱۴. نعمتی پیرعلی، فاطمه، جایگاه زن در خانواده در ادیان جهان، بینات، سال دوازدهم، ش ۴۸، سال ۱۳۸۴.
۱۵. ودود، آمنه، قرآن و زن، بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، تهران، حکمت، ۱۳۹۱.
۱۶. وکیلی، الهه، نگرش تطبیقی به زن در آیین قرآن و آیین های زرتشت، یهود و مسیح، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۱۷. هانس، کونگ، متفکران بزرگ مسیحی، ترجمه گروه مترجمان، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶.

